



شماره ۴ دوره ۲ زمستان ۱۴۰۱

فصلنامه مدیریت دانش در ورزش دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج



ارائه الگوی نهادینه‌سازی برابری جنسیتی با محوریت ورزش بانوان

تیمور سلیمان بیگی^۱، جمشید همتی^{۲*}، نوید مهتاب^۳

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. ۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، بهبهان، ایران (*نویسنده مسئول). ۳- استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد قروه، دانشگاه آزاد اسلامی، قروه، ایران.

E-mail: jamhem@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

چکیده

هدف این پژوهش ارائه الگوی نهادینه‌سازی برابری جنسیتی با محوریت ورزش بانوان است. این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی کیفی و از نوع نظریه داده بنیاد روش نظام‌مند می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را صاحب‌نظران حوزه مدیریت ورزش زنان تشکیل می‌دادند. جهت نمونه‌گیری از روش هدفمند استفاده شد و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد، براین مبنا تعداد ۱۶ مصاحبه انجام گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه فرایند همپوش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری نظری استفاده شد. با اقتباس از متن همه مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری باز تعداد ۲۱۳ مفهوم یا کد اولیه شناسایی شد که پس از تجمیع کدهای به ۸۳ کد کاهش پیدا کرد. سپس در مرحله کدگذاری محوری با در نظر گرفتن قرابت معنایی مفاهیم شناسایی شده ۲۱ مقوله فرعی تشکیل و در شرایط علی (حمایت نهادی، حمایت خانوادگی، حمایت سازمانی و حمایت رسانه‌ای)، زمینه‌ای (فضا و امکانات، قانون‌گذاری)، مداخله‌گر (مطالبه‌گری زنان ورزشکار، تقبیح کلیشه‌های جنسیتی)، راهبردها (فرهنگ‌سازی، طرح و حل مشکل، ارج نهادن به کرامت زنان و دختران، مدیریت بر پایه ارزش‌ها، عدالت سازمانی، مدیریت جانشین‌پروری، الگوسازی) و پیامدها (تجاری‌سازی ورزش زنان، جبران خدمات، کاهش ناهنجاری‌های رفتاری، توانمندسازی فردی، توانمندسازی جمعی، افزایش مشارکت‌پذیری) دسته‌بندی شدند. بر مبنای نتایج تحقیق مشخص شد نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش با محوریت ورزش بانوان موضوعی تک‌ساحتی نیست و برابری به‌عنوان یک ستاده تابع نهادهای مختلفی است که لازم است از ابعاد نهادی، خانوادگی، سازمانی، رسانه‌ای، سخت‌افزاری و قانونی مورد توجه دست‌اندرکاران مربوطه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: برابری جنسیتی، سقف شیشه‌ای، نهادینه‌سازی، ورزش زنان

مقدمه

توسعه و اعتلای تربیت بدنی و ورزش در جامعه از یک سو مربوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است و از سوی دیگر مربوط به این است که به ورزش زنان توجه شود (Monazami, Alam & Shetab Boshehri, 2011) از طرفی توجه به سلامتی زنان به عنوان نیمی از جمعیت که سهم مهمی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و رسالت مهم فرزندآوری را نیز بر عهده دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی یکی از راه‌های مهم تأمین سلامت روانی و جسمانی آنهاست (Nimrozi, & Sahne, 2020). با این حال ورزش زنان همچنان یک موضوع مورد مناقشه است (Posbergh, 2022). این در حالی است که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و دوسوم ساعت کار انجام شده توسط آنان صورت می‌پذیرد، در حالی که در تقسیم نیروی انسانی سازمان‌ها، بویژه در بخش ورزش زنان به حاشیه رانده می‌شوند (Almasi, Labadi & Alipour 2015; Hanlon & Taylor, 2022) و پیشرفت آنان برای سایر افراد بی‌اهمیت تلقی می‌شود و حتی گاهی دستیابی آنان به درجه‌های بالاتر، عجیب و دور از تصور انگاشته می‌شود، زیرا تصور غالب این است که آنان باید در حاشیه باشند (Almasi & et al, 2015).

نابرابری جنسیتی یکی از نابرابری‌هایی است که در جهان به طور اعم و در ایران به طور اخص زنان از آن رنج می‌برند، این نابرابری در ورزش دو چندان تشدید شده و تأثیر نامطلوبی بر ورزش بانوان داشته است (Nazari Azad, Talebpour & Kashani, 2019). به طوری که امروزه در بیشتر جوامع، زنان از فرصت‌هایی برابر برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی محروم بوده و با محدودیت‌هایی مواجهند. محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی، محدودیت‌های مالی و امکاناتی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله این محرومیت‌ها هستند؛ ولی این محرومیت‌ها در ایران به دلایل مختلف، بویژه شرایط فرهنگی، اجتماعی حاکم بر کشور برجستگی بیشتری دارد (Nazari Azad & et al, 2019). و این مسئله سبب آسیب رساندن به توسعه پایدار برابری جنسیتی شده است (Ramos, Latorre, Tomás & Ramos, 2022). برابری جنسیتی به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است به گونه‌ای که در حق هیچ کدام ستم یا اجحافی نشود (Azerbaijani, 2010). گزارشی که مجمع جهانی از شکاف جنسیتی جهان در سال ۲۰۲۰ ارائه نموده است، نشان از آن دارد که نابرابری جنسیتی در کلیه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سیاسی و غیره، چالش‌های مختلفی را پیش‌روی زنان جهان قرار داده است و نه تنها آن‌ها را از دستیابی کامل به حقوق خود محروم نموده، بلکه کشورها را نیز از بهره‌مندی از پتانسیل‌های بالقوه زنان باز داشته است، مطابق این گزارش که حاصل بررسی ۱۵۳ کشور بوده است هرچند وضعیت شکاف جنسیتی نسبت به گذشته اندکی بهبود پیدا کرده است اما همچنان فاصله بسیار زیادی با شرایط مطلوب دارد و در صورت حفظ روند فعلی ۹۹/۵ سال طول خواهد کشید تا زنان طعم برابری را احساس نمایند (Salami & Mazhari, 2022).

تحقیقات گذشته نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی به‌عنوان یک ستاده در حوزه‌های مختلف به طور خاص ورزش تابع نهاد‌های مختلفی است. برای مثال Nazari Azad & et al (2010) با مطالعه تحلیل جامعه شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش (از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی) نشان دادند پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، نوع فعالیت ورزشی زنان، تحصیلات زنان، استفاده از رسانه‌ها بر نابرابری جنسیتی در ورزش تأثیر دارند و در این بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، تحصیلات زنان و استفاده از رسانه‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نابرابری جنسیتی در ورزش داشتند. (Dehghan Benadaki, Zare & Ahmadi Nasab (2020) با بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد تبعیض جنسیتی در مدیریت ورزش کشور نشان دادند عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قانونی، سازمانی، شخصیتی و فردی در ایجاد تبعیض جنسیتی در سازمان‌های ورزشی مؤثر می‌باشند. Gholampour Galshaklami, Mirzaei, Ghadimi, Alipour Darvishi (2020) با مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تمایل جوانان به ورزش همگانی با تأکید بر زنان نشان دادند عدم وجود سرمایه‌ی اجتماعی، رفتار مطلوب اجتماعی و حمایت اجتماعی بر تمایل جوانان به ورزش همگانی تأثیرگذار هستند و عدم وجود پذیرش اجتماعی، هوش فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی و باورها و جهت‌گیری‌های اعتقادی و ارزشی تأثیری بر تمایل به انجام ورزش ندارند. (Ahmadi, Pejhan & Ghadimi (2019) با تحلیل جامعه‌شناختی موانع اجتماعی مشارکت فعالیت‌های ورزشی زنان و مردان نشان دادند که بین اعتماد اجتماعی (اعتماد برون گروهی، اعتماد درون

گروهی و اعتماد انتزاعی) کارکنان زن و مرد اختلاف وجود ندارد. هم‌چنین بین احساس بی‌قدرتی کارکنان زن و مرد اختلاف وجود نداشت. علاوه بر این، بین خودپنداره (تصور فرد از خود و تصور فرد از تصور دیگران) در کارکنان زن و مرد اختلاف وجود ندارد. (Tahmasabi & Turkafar (2019) با بررسی ارتباط علی بین جامعه‌پذیری و انگیزش با مشارکت ورزشی کارکنان زن به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری و انگیزش ورزشی کارکنان زن، فراگردی است که به واسطه‌ی آن زنان، دانش و آگاهی‌های لازم و انگیزش را به منظور مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی کسب می‌کنند. در تحقیقی دیگر Enayat, Hassanzadeh & Albarzi (2019) با بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی زنان پی بردند که ۵۸/۳ درصد از زنان در شیراز، هیچ‌گونه فعالیت ورزشی ندارند که چیزی بیش از نیمی از زنان می‌باشد. همچنین این تحقیق نشان‌داد بین طبقه‌ی اجتماعی، تفکر قالبی، سرمایه‌ی بدنی، اعتماد اجتماعی و مشارکت فرهنگی و فعالیت‌های ورزشی زنان رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد. در مطالعه‌ی دیگر Pape (2020) با عنوان تفکیک جنسیتی و مسیرهای تغییر سازمانی (مشارکت کمتر زنان در مدیریت ورزشی) نشان داد که محرومیت زنان از مواضع مدیریت به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا از آشکار شدن شباهت جنسیتی بین زن و مرد جلوگیری کند که این منطبق تحت تأثیر اختلاف جنسیتی بین زن و مرد قرار می‌گیرد. همچنین Palascakova (2020) با مطالعه پایداری کلیشه‌ای جنسیتی در ورزش زنان نشان داد اگرچه رشد مستمر در مشارکت زنان در ورزش وجود دارد، اما زنان هنوز در نهادهای تصمیم‌گیری مؤسسات ورزشی در سطح محلی، ملی، اروپا و جهانی حضور کمتری دارند. با این حال، نابرابری جنسیتی در جامعه رایج است، حتی اگر نحوه برخورد افراد با عدالت جنسیتی متفاوت باشد. دلیل این واقعیت این است که نابرابری نتیجه عوامل مختلفی است که فقط جنس نیست و تقویت برابری جنسیتی در ورزش یکی از مهم‌ترین اقدامات برای از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی است. (Patel (2021) نیز با مطالعه شکاف در حفاظت از حقوق زنان در ورزش نشان‌داد پارامترهای اجتماعی جنسیت و هویت جنسیتی در حال تغییر هستند با این حال چارچوب‌های قوی حقوق بشری که از حق و حقوق جنسیت حمایت می‌کنند رابطه بین حقوق و ورزش ورزشکاران را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار داده است و به نوعی اجرای حقوق بشر در ورزش با نوعی تبعیض همراه است. (McGovern (2021) نیز در تحقیقی با عنوان تلاقی کلاس جنسیت و نسل در شکل‌گیری تجربیات ورزشی زنان بومی ایالات متحده گزارش کرد که طبقه اجتماعی زنان بر انتخاب‌های ورزشی از طریق محل زندگی‌شان تأثیرگذار است. خانواده‌های طبقه متوسط و بومی از منابع لازم برای دسترسی به ورزش‌های سازمان یافته و اولویت‌دار در مشارکت برخوردار هستند. خانواده‌های طبقه پایین و مهاجر ارزش کمتری برای ورزش سازمان یافته قائل هستند و منابع کمتری برای پرداختن به این مهم دارند. افزون بر این، (Eriksen (2021) در تحقیقی با عنوان رویاهای نوجوانان برای تبدیل شدن به ورزشکار حرفه‌ای: شکاف جنسیتی در جاه‌طلبی ورزشی نوجوانان مشخص کرد در نروژ پسرها و دخترها نرخ مشارکت ورزشی یکسان و برابری دارند. علیرغم آن بین جاه‌طلبی آن‌ها به تناسب جنسیت‌شان تفاوت وجود دارد. همچنین تحقیق نامبرده نشان داد پسران به نسبت دختران تمایل بیشتری دارند که در آینده تبدیل به ورزشکار حرفه‌ای شوند این در حالی بود که تعداد کمی از دختران این نظر را داشتند در نتیجه استدلال نویسنده این تحقیق این است که روایت‌های فرهنگی ادراک و جاه‌طلبی این افراد را شکل داده است و از بعد منطقی به نظر می‌رسد امکانات محدود، منابع و پشتیبانی محدود برای دختران سبب شکل‌گیری چنین ادراکی شده باشد. همچنین (Saitova & Di Mauro (2021) نشان‌دادند ساختار و شیوه‌های برابری جنسیتی به طور مؤثر در سازمان‌ها نهادینه نشده است. در مقابل ویژگی‌های فردی مدیران زن از جمله عزم، اعتماد به نفس و توانایی مقابله با همکاران مرد عواملی هستند که بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری نقش اساسی دارند. سرانجام (Evans & Maley (2021) نشان‌دادند علیرغم قانون برابری جنسیتی در محل کار سوگیری ناخودآگاه مانع رسیدن زنان به پست‌های مدیریتی سطح بالا است. لذا لازم یک برنامه اقدام راهبردی برای برابری جنسیتی در نظر گرفته شود.

مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد بحث نابرابری و تبعیض جنسیتی در ورزش همواره مورد توجه محققان ورزشی و غیرورزشی بوده است و هر کدام از این تحقیق‌ها از جنبه‌های مختلف علل این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را بررسی کرده‌اند. همچنین مشخص گردید نابرابری به عنوان یک ستاده در ورزش زنان تنها مربوط به جنس نیست و در مقابل تقویت برابری جنسیتی و ارائه راهکارهای برای برابری جنسیتی اقداماتی است که لازم است برای مرتفع کردن نابرابری‌ها مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است نابرابری جنسیتی در ورزش سبب شده است ورزش زنان به حاشیه رانده شود به موازات آن زنان به عنوان نیمی از افراد

جامعه با موانع بیشتری در انجام فعالیت‌های ورزشی روبه‌رو شوند در نتیجه دشواری‌ها و چالش‌های اساسی پیرامون ورزش کردن آنها پدیدار شده است. بر مبنای شواهد و قرائن موجود به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این نابرابری‌ها ریشه در ایدئولوژی جنسیتی داشته باشد که برای مرتفع کردن آنها تقویت برابری جنسیتی می‌تواند مفید باشد. از طرفی نگاهی به آنچه در دهه‌های گذشته و حتی پیش از انقلاب جریان داشته است، نشان می‌دهد که ورزش بانوان هیچگاه یک حرکت زنده و واقعی در جامعه ایرانی نداشته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل اهمیت مسائل شرعی، ورزش بانوان و محیط‌های ورزشی زنان از مردان جدا گردید و امر ورزش زنان، مربیگری و سرپرستی آن به خود آنها واگذار شده است این در حالی است که در فرایند توسعه، نقش زنان را به عنوان نیمی از نیروی کار فعال در امر ورزش نمی‌توان نادیده گرفت چرا که مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند تأثیر مهمی بر فرایند توسعه و اتخاذ سیاست‌های مربوط داشته باشد و با توجه به اینکه زنان شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه هستند، رسیدن به توسعه ورزشی بدون شناسایی دقیق مشارکت زنان و نیازهای آنان ممکن نیست. لذا مطالعه حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که چگونه می‌توان برابری جنسیتی را در ورزش زنان نهادینه کرد؟

روش‌شناسی

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش گردآوری در زمره پژوهش‌های کیفی است و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد رهیافت اشتراوس و کوربین انجام شد. با هدف اینکه شرایط مؤثر بر نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران مشخص گردد، راهبردهای که منجر به نهادینه‌سازی می‌شود شناسایی شود و در نهایت پیامدهای حاصل از نهادینه‌سازی برابری جنسیتی مشخص گردد. جامعه آماری این پژوهش را صاحب‌نظران حوزه ورزش زنان شامل استادان دانشگاه (کردستان و تهران) و مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک تشکیل می‌دادند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد، برای این مینا تعداد ۱۶ مصاحبه انجام گرفت که مشخصات آنها به شرح جدول (۱) می‌باشد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	سابقه کاری	سابقه ورزشی	تحصیلات	حوزه فعالیت
۱	زن	۵۱ سال	۳۲ سال	۱۰ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۲	زن	۴۴ سال	۲۴ سال	۱۵ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۳	زن	۵۲ سال	۲۹ سال	۱۷ سال	لیسانس	وزارت ورزش و جوانان
۴	مرد	۶۰ سال	۳۵ سال	۲۱ سال	دکتری	کمیته ملی المپیک
۵	مرد	۵۴ سال	۲۹ سال	۱۳ سال	دکتری	هیئت علمی دانشگاه
۶	مرد	۴۳ سال	۱۴ سال	۹ سال	دانشجوی دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۷	زن	۵۶ سال	۲۰ سال	۱۵ سال	دکتری	کمیته ملی المپیک
۸	زن	۶۲ سال	۳۲ سال	۳۱ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۹	زن	۵۲ سال	۲۷ سال	۲۶ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۱۰	مرد	۵۵ سال	۲۱ سال	۱۹ سال	دکتری	هیئت علمی دانشگاه
۱۱	زن	۵۶ سال	۲۰ سال	۱۸ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۱۲	زن	۵۷ سال	۲۵ سال	۲۴ سال	دکتری	کمیته ملی المپیک
۱۳	زن	۵۱ سال	۲۷ سال	۲۷ سال	دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۱۴	مرد	۴۳ سال	۱۴ سال	۱۲ سال	دانشجوی دکتری	وزارت ورزش و جوانان
۱۵	زن	۵۵ سال	۲۹ سال	۲۱ سال	لیسانس	وزارت ورزش و جوانان
۱۶	مرد	۵۳ سال	۱۹ سال	۱۸ سال	دکتری	هیئت علمی دانشگاه

برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت بررسی کیفیت و اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر معیارهای ارزشیابی (Lincoln & Guba, 1985) شامل معیارهای اعتبار، انتقال، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری مدنظر قرار گرفتند. در ادامه، ضمن بررسی مورد به مورد هر یک از این معیارها، به برخی راهبردهای مناسب برای برآورده ساختن این

معیارها در پژوهش حاضر نیز اشاره شده است. اعتبار: برای دستیابی به این معیار، در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شد: الف) ارزیابی چندجانبه: در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و انتخاب نمونه پژوهش برای مصاحبه و طراحی سؤالات مصاحبه از منابع و جنبه‌های گوناگونی استفاده شده است. ب) ارزیابی شرکت‌کنندگان از پژوهش: متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده برای مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ارسال و نقطه نظرات آنها اعمال شد. انتقال‌پذیری: در پژوهش حاضر، به‌منظور دستیابی به این معیار از روش‌های زیر استفاده شد: الف) مستندسازی: تمام مراحل پژوهش برای استفاده احتمالی محققان دیگر به صورت مکتوب مستندسازی شد. ب) گزارش شرایط زمینه‌ای: شرایط جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به صورت تفصیلی ارائه شد. قابلیت اعتماد: در پژوهش حاضر دستیابی به این معیار از طریق روش زیر انجام گرفت: الف) استفاده از دوکدگذار: بدین منظور از یکی از متخصصان حوزه مدیریت در فرایند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد. به صورت تصادفی دو مصاحبه انتخاب شد و پس از آموزش‌های لازم کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد و نتایج آن در قالب جدول (۲) ارائه شد.

$$\text{درصد پایایی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{100 \times \text{تعداد کل کدها}}$$

جدول ۲. نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد پایایی
P5	۱۰	۴	۲	۰/۸۰۰
P9	۱۷	۷	۳	۰/۸۲۳
کل	۲۷	۱۱	۵	۰/۸۱۴

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، پایایی کل بین دو کدگذار برابر با ۸۴ درصد است. با توجه به این‌که پایایی بیش از ۶۰ درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد. تأییدپذیری: بدین منظور در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شد: الف) ارزیابی متخصصان خارج از فرایند پژوهش: نتایج این پژوهش در اختیار چند تن از دبیران تربیت‌بدنی خارج از فرایند پژوهش قرار گرفت. پس از مطالعه و بازبینی ایشان نظرات آنها اخذ شد. ب) تشریح فرایند پژوهش: در متن حاضر مراحل پژوهش اعم از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و شکل‌گیری درون‌مایه‌ها، به‌منظور فراهم آوردن امکان ممیزی پژوهش برای مخاطبان و خوانندگان تشریح شده است. سرانجام به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه فرایند همپوش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شد.

یافته‌ها

با اقتباس از متن همه مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری باز تعداد ۲۱۳ مفهوم یا کد اولیه شناسایی شد که پس از تجمیع کدهای مشابه با هم به ۸۳ کد کاهش پیدا کرد. سپس در مرحله کدگذاری محوری با در نظر گرفتن قرابت معنایی مفاهیم شناسایی شده ۲۱ مقوله فرعی شامل حمایت نهادی، قانون‌گذاری، حمایت خانوادگی، الگوسازی، فضا و امکانات، تجاری سازمانی ورزش زنان، مدیریت جانشین‌پروری، جبران خدمات، مدیریت بر پایه ارزش‌ها، عدالت سازمانی، حمایت سازمانی، طرح و حل مشکل، فرهنگ سازمانی، ارج نهادن به کرامت زنان و دختران، حمایت رسانه‌ای، کاهش ناهنجاری‌های رفتاری، توانمندسازی فردی، توانمندسازی جمعی، افزایش مشارکت‌پذیری، مطالبه‌گری زنان ورزشکار و تقبیح کلیشه‌های جنسیتی تشکیل گردید. سرانجام براساس نتایج کدگذاری گزینشی مقوله‌های فرعی براساس قرابت معنایی و رجوع به ادبیات تحقیق در ۵ مقوله اصلی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها دسته‌بندی شدند. در جدول (۳) نحوه فرایند کدگذاری مشخص شده است.

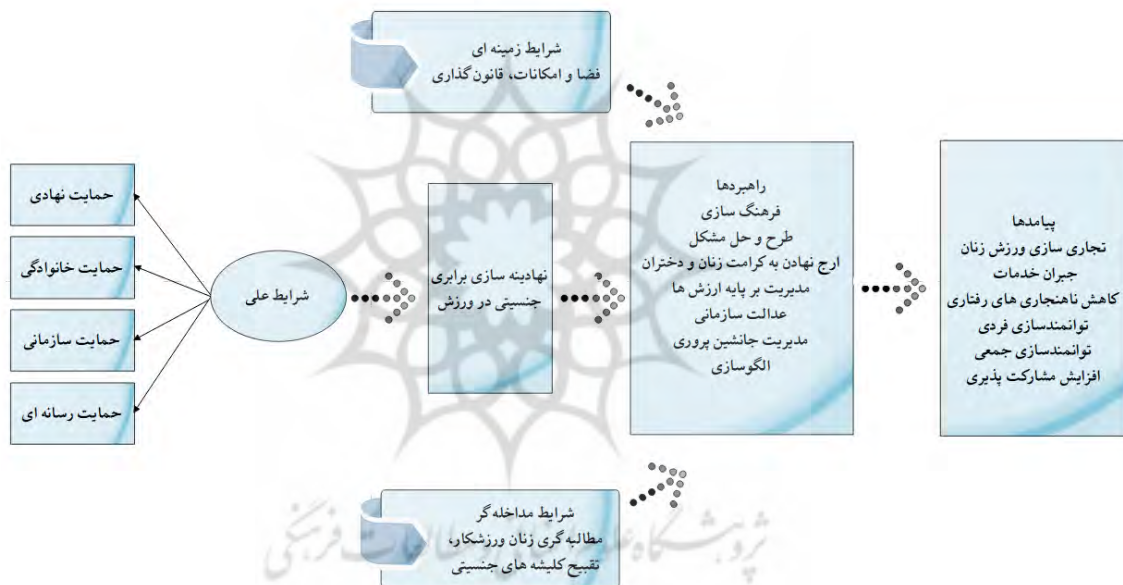
جدول ۳. نتایج حاصل از فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	کد مصاحبه
شرایط علی	حمایت نهادی	حمایت مالی دولت از ورزش زنان	P6, P9, 13
		سرمایه گذاری میان مدت و بلند مدت در ورزش زنان	P2, P14
		اختصاص بودجه لازم از سوی سازمان‌ها به ورزش زنان	P14, P16
		ایجاد فرصت‌های برابر در سطوح نظارتی و تصمیم‌گیری در ورزش	P4, P9, P14, P15
	حمایت خانوادگی	حمایت خانواده‌ها از فرزندان دختر در زمینه ورزش	P8, P10
		تغییر نگاه سنتی خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان دختر در فعالیت‌های ورزشی	P4, P5
		تغییر رفتار خانواده‌ها در تربیت فرزندان دختر	P2, P3, P14
	حمایت سازمانی	فراهم سازی امنیت شغلی در سطح عالی برای کارکنان زن	P1, P9, P14, P16
		حمایت از پیش‌تازان تغییر فعالانه در ورزش زنان	P10, P11, P13
		دادن اختیارات لازم به مسئولان ورزش زنان	P13
		دادن آزادی عمل به مسئولان ورزش زنان	P1, P3, P4
	حمایت رسانه‌ای	اختصاص برنامه‌های برای فعالیت‌های ورزشی زنان با تأکید بر زن فعال	P10
		اختصاص زمان مناسب به فعالیت‌های تفریحی ورزشی زنان	P10
		پوشش رسانه‌ای مثبت و قابل مشاهده از ورزش زنان	P8, P9, P15
		ارتقاء سهم ورزش زنان در برنامه‌های تلویزیونی	P1, P8
	شرایط زمینه‌ای	فضا و امکانات	فراهم‌سازی محل تمرین مناسب
مهیاسازی محیط امن برای انجام فعالیت ورزشی زنان			P8, P10, P14
مهیا کردن محیط شهرها برای ورزش زنان			P3, P5
فراهم کردن امکانات و تجهیزات مورد نیاز			P11, P12, P16
قانون‌گذاری		آسان سازی دسترسی محلی به فضاهای لازم برای ورزش زنان	P1, P4, P12
		تدوین قانون حمایت از ورزشکاران زن	P3, P5, P7
		اصلاح قانون گذرنامه در راستای تسهیل امکان خروج زنان از کشور	P3, P9, P16
		تدوین دستورالعملی مدون و همه شمول در خصوص ورزش زنان	P4, P8, P10
شرایط مداخله‌گر	مطالبه‌گری زنان ورزشکار	مطالبه‌گر بودن فعالان حوزه ورزش زنان نسبت به نابرابری‌ها	P10, P11
		درخواست زنان ورزشکار برای دستمزد برابر	P3, P4, P8, P11
		درخواست زنان ورزشکار برای شرایط برابر	P3
	تقبیح کلیشه‌های جنسیتی	کاهش کلیشه‌های زن‌ستیزانه از سوی مردان نسبت به گذشته	P2, P4, P5
		التزام مردان به رعایت محدودیت‌های عرفی	P12, P13, P14
		بازتولید قدرت و فرادستی زنان ورزشکار	P2, P8, P10, P14, P15
		بازنمایی مثبت از زنان ورزشکار	P4, P8, P16
با اهمیت جلوه دادن فعالیت‌های زنان ورزشکار	P9		
راهبرد	طرح و حل مشکل	ارزیابی اختلاف بین وضع موجود و مطلوب ورزش زنان	P9, P15
		ایجاد مبنایی برای انجام اقدامات اصلاحی	P9, P4, P15
		مرتفع شدن مشکلات موجود ورزش زنان	P5, P15
	فرهنگ‌سازی	عدم سطحی نگری نسبت به مسائل فرهنگی	P3, P10
		اولویت بودن ارزش‌های فرهنگی - جنسیتی در کشور	P3
		توجه به موضوعات فرهنگی ورزش زنان از سوی مدیران	P3
اعتقاد به برنامه های فرهنگی ورزشی در بین متولیان	P3, P12		

ارح نهادن به کرامت زنان و دختران	داوطلبانه بودن فعالیت‌های ورزشی	P1, P3, P9, P10	
	آزادی انتخاب زنان در فعالیت‌های ورزشی	P10	
	نیازمحور بودن فعالیت‌های ورزشی زنان	P10, P11	
	مدیریت بر پایه ارزش‌ها	تعریف قواعد اخلاقی در سازمان‌های ورزشی	P7, P9, P14
		پذیرش ارزش‌ها توسط کارکنان سازمان‌های ورزشی	P1, P3, P4, P6
		توجه به رشد و تعالی ورزش زنان	P3, P4, P6
		اصلاح اندیشه‌های ضد ارزشی	P4, P8
		حفظ کرامت کارکنان زن در سازمان‌های ورزشی	P3
	عدالت سازمانی	تخصیص حقوق و مزایا بر اساس میزان مشارکت یا عملکرد	P3, P16
		رفتار صادقانه، احترام‌آمیز و مؤدبانه مدیران با کارکنان زن	P1, P5, P9
		اجرای اصل تفویض اختیار در رده‌های مختلف سازمان	P1, P9
		امکان دسترسی همه زنان و دختران به انواع فعالیت‌های ورزشی	P7, P11, P14, P15
		پیاده سازی ضوابط کاری، رفتاری و اخلاقی	P3, P11, P5
		مشارکت کارکنان زن سازمان‌های ورزشی در تصمیم‌گیری	P9, P11, P12
	مدیریت جانشین-پروری	انتصاب مدیران زن توانمند و متخصص	P9, P12, P15
		تربیت نیروی انسانی متخصص	P11, P12
		استفاده از زنان ورزشکار کارآموده در سطوح اجرایی	P3, P4
		فراهم نمودن زمینه ارتقای کارکنان زن مسئولیت پذیر به رده‌های شغلی بالاتر	P15
		شایسته سالاری	P7, P9, P11, P13
	الگوسازی	روایت زندگی ورزشکاران زن نخبه	P14
		تجلیل از قهرمانان ورزشی زن	P2, P14
		پوشش رسانه‌ای ورزش زنان از سوی رسانه ملی	P2, P14
		تشریح دستاوردهای ورزش زنان از سوی رسانه	P2
	پیامد	تجاری‌سازی ورزش زنان	مشارکت بخش خصوصی در ورزش زنان
پرداخت‌های برابر دستمزد			P4, P11, P13
افزایش سطح دستمزد ورزشکاران زن			P4, P5, P8,
تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران زن			P8, P11, P12, P15
جبران خدمات		حمایت از حقوق و دستمزد زنان ورزشکار	P3, P4, P14
		بهبود شرایط محیط تمرین زنان	P15
		توجه به نیازهای زنان ورزشکار	P15, P16
کاهش ناهنجاری‌های رفتاری		حمایت معنوی از ورزشکاران زن	P1, P7, P9
		مراقبت از دختران در برابر عادات بد	P11
		کاهش ناهنجاری شایع در بین دختران	P11, P12
توانمندسازی فردی		جلوگیری از انجام رفتارهای پرخطر به طور خاص دختران نوجوان	P3
		پیشرفت زنان و دختران ورزشکار در امر ورزش	P8, P11
		ارتقاء مهارت‌های بین فردی زنان ورزشکار	P8
		رشد و شکوفایی استعداد‌های فردی زنان ورزشکار	P8, P10, P14
		کمک به رشد اعتماد به نفس زنان ورزشکار	P1, P3, P4, P5, P6, P7, P16
افزایش سلامت ذهنی زنان ورزشکار		P1, P2, P8, P12, P16	

توانمندسازی جمعی	افزایش تعامل زنان و دختران ورزشکار جامعه با هم‌نوعان خود	P7, P8, P11
	تقویت مهارت‌های گروهی زنان ورزشکار	P1, P2, P4, P7, P10, P12, P14, P15
	تقویت روحیه تعاون زنان ورزشکار	P1, P2, P3, P16
افزایش مشارکت-پذیری	مشارکت بیشتر در فعالیت‌های ورزشی	P3, P4, P6, P9, P11
	افزایش قدرت و حضور زنان در فضای ورزش	P11, P12
	افزایش مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌گیری ورزش	P3, P5, P7, P11

سرانجام پس از شناسایی مفاهیم اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی الگوی نهادینه‌سازی برابری جنستی در ورزش ایران در قالب شکل (۱) به تصویر کشیده شد. شایان ذکر است بر اساس مدل نامبرده پدیده برابری جنستی تابع شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر است و با کاربست راهبردهای احصاء شده می‌توان انتظار داشت ورزش زنان به سمت تجاری‌سازی حرکت کند، خدمات آن‌ها جبران شود، ناهنجاری‌های رفتاری بین زنان ورزشکار کاهش پیدا کند، به موازات آن توانمندسازی فردی و جمعی آن‌ها بیشتر گردد و در نتیجه مشارکت‌پذیری آن‌ها در ورزش بیشتر شود.



شکل ۱. الگوی نهادینه‌سازی برابری جنستی در ورزش ایران

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق ارائه الگوی نهادینه‌سازی برابری جنستی با محوریت ورزش بانوان بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد برابری جنستی به‌عنوان یک ستاده تابع شرایط علی همچون حمایت نهادی، حمایت خانوادگی، حمایت سازمانی و حمایت رسانه‌ای است. به این معنی که این شرایط بایستی برقرار باشند تا نهادینه‌سازی برابری جنستی به وقوع بپیوندد. شایان ذکر است پیش‌تر مطالعات گذشته از جمله Nazari Azad & et al (2019); Gholampour Galshaklami & et al (2020); Palascakova (2020); Patel (2021), Eriksen (2021) نقش قابل توجه حمایت در تبیین نهادینه‌سازی برابری جنستی در ورزش زنان دارد. با این حال حمایت یک مفهوم انتزاعی به شمار می‌رود و صرف تأکید بر حمایت نمی‌تواند بیانگر اثرات آن باشد و لازم است از جنبه‌های مختلفی بررسی شود. در واقع حمایت خود ترکیبی از شاخص‌های دیگر است و می‌توان گفت زمانی در راستای نهادینه‌سازی برابر جنستی مؤثر است که به ابعاد آن یا جنبه‌های آن توجه شود و یا به اصطلاح مقوله‌های فرعی آن مدنظر قرار گیرد. لازم به ذکر است مطابق کدگذاری محوری حمایت در این تحقیق تلفیقی از حمایت‌های نهادی، خانوادگی، سازمانی و رسانه‌ای است.

دلیل اینکه تشخیص داده شد حمایت خانوادگی مؤثر بر نهادینه‌سازی برابری جنسیتی است، این است که اساساً نهادینه‌سازی مقولات فرهنگی و اجتماعی تا حدود زیادی تحت تأثیر نهادها، گروه‌های اجتماعی و دیگران مهم است و در این بین خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی نقش زیادی در ایجاد فرهنگ برابری میان دختران و پسران دارند. به اعتقاد لارش تره‌گورد¹ تاریخ‌دان برجسته سوئدی دلیل اینکه خانواده نقش قابل توجهی در نهادینه‌سازی برابری جنسیتی دارد این است که خانواده پایه رسیدن به برابری جنسیتی است و مادامیکه در خانواده به برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی توجه شود، این مهم به جامعه و گروه‌های اجتماعی بزرگتر تعمیم پیدا می‌کند. بر این اساس خانواده‌ها لازم است از فرزندان دخترشان در راستای ورزش کردن حمایت لازم را به عمل آورده و با تغییر نگاه سنتی‌شان به ورزش کردن فرزندان دخترشان این مهم را تقویت کنند.

همچنین دلیل اینکه حمایت سازمانی مؤثر بر نهادینه‌سازی برابر جنسیتی تشخیص داده شد این است که حمایت سازمانی مفهوم بسیار مهمی در زمینه برابری و عدالت جنسیتی است چرا که حمایت سازمانی می‌تواند رابطه مابین نحوه برخورد سازمان با بانوان و نگاه و رفتار بانوان را نسبت به شغلشان و سازمان توضیح دهند. بر این مبنا متولیان مربوطه در سازمان‌های ورزشی لازم است در راستای نهادینه‌سازی برابر جنسیتی با محوریت زنان امنیت شغلی را برای آن‌ها به ارمغان آورده، اختیارات لازم را به ورزش زنان و مسئولان آنها واگذار کرده و در عین در انجام وظایف محوله شغلی مرتبط با ورزش به آن‌ها آزادی عمل دهند.

علاوه بر این، دلیل اینکه تشخیص داده شد حمایت رسانه‌ای نقش پررنگی در نهادینه‌سازی برابری جنسیتی دارد این است که رسانه نیازها و مشکلات ورزش زنان را به‌طور خاص در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌های عملیاتی منعکس می‌کنند از طرفی رسانه هم می‌تواند فضای جامعه را پیرامون عدالت و برابری جنسیتی باز کنند و هم آن را ببندند. بر این اساس متولیان مربوطه به‌طور خاص اصحاب رسانه لازم است برنامه‌هایی را به‌طور اختصاصی برای ورزش زنان تنظیم کرده و رخدادهای ورزش زنان را پوشش دهند. به موازات آن لازم است سهم ورزش زنان به‌طور خاص در برنامه‌های تلویزیونی نیز افزایش پیدا کند.

در نهایت دلیل اینکه مشخص شد حمایت نهادی مؤثر بر نهادینه‌سازی برابر جنسیتی است این است که ورزش از متولیان نهادی تأثیر می‌پذیرد و مادامی که متولیان مربوطه از ورزش زنان حمایت به عمل آورند و فرصت‌های برابر را در سطوح مختلف اعم از نظارتی و تصمیم‌گیری برای زنان فراهم کنند می‌توان انتظار نهادینه‌سازی را داشت. بر این اساس متولیان مربوطه لازم است در ورزش زنان سرمایه‌گذاری راهبردی و عملیاتی انجام دهند و از ورزش زنان حمایت مالی به عمل آورند و به‌طور خاص سازمان‌های مربوطه بودجه‌ای را مختص به ورزش زنان تخصیص دهند.

تحلیل داده‌ها نشان داد نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش متأثر قانون‌گذاری و فضا و امکانات است. این یافته از جانب مطالعه Eriksen (2021) پشتیبانی می‌شود مبنی بر اینکه اریکسون گزارش کرده است که یکی از دلایل شکاف جنسیتی امکانات محدود می‌باشد. دلیل اینکه قانون‌گذاری مؤثر بر نهادینه‌سازی برابری جنسیتی تشخیص داده شد این است که صورت نیل کنشگران و دست اندرکاران امر ورزشی به فهم مشترک، در چارچوبی نو از گفتمان کنش متقابل نمادی، می‌تواند نویدبخش حل و فصل چالش‌های زنان در حوزه ورزش باشد. و به موازات آن هم فراخوانی پاره‌های ذهنی و عینی در عناصری چون حقوق و مطالبه‌گری، می‌تواند تجلی حوزه قدرت زنان باشد که آنها را به سوی برابری سوق می‌دهد. شایان ذکر است در نظام حقوقی کشور ایران، قانونی یکپارچه و همه شمول در خصوص ورزش و به تبع آن ورزش زنان که توسط قوه مقننه تدوین شده و دارای ضمانت اجرای مؤثری باشد، وجود ندارد. تنها در بند ۳ اصل سوم قانونی اساسی این امر ذکر شده است. این اصل و دو بند آن تنها مستند قانونی در حوزه ورزش و تأکید به رفع هرگونه نابرابری و تبعیض با توجه به بند ۹ آن است. با وجود اینکه در قانون اساسی دولت موظف به به کارگیری همه امکانات خود در امر ورزش شده است اما قانونی در راستای دستیابی به اهداف رفع تبعیض‌ها و توجه به ظرفیت ورزش زنان تدوین نشده است.

افزون بر این دلیل اینکه تشخیص داده شد فضا و امکانات مؤثر بر نهادینه‌سازی برابری جنسیتی است، این است که ورزش هم برای زنان و هم برای مردان در حلقه انجام می‌شود و انجام آن مستلزم امکانات سخت‌افزاری است و مادامی که این امکانات به‌صورت برابر در اختیار زنان و مردان قرار گیرد می‌توان انتظار نهادینه‌سازی برابری جنسیتی را داشت. بر این اساس متولیان

¹ Laresh Tregord

مربوطه لازم است نه تنها محیط امن و ایمن برای زنان فراهم کنند بلکه لازم است در توزیع امکانات و تجهیزات نیز عدالت را رعایت کنند.

این مطالعه همچنین نشان داد مطالبه‌گری زنان ورزشکار و تقبیح کلیشه‌های جنسیتی جزء شرایط مداخله‌گر مؤثر بر نهادینه‌سازی برابر جنسیتی می‌باشند. مطالبه‌گری زنان ورزشکار به این موضوع اشاره دارد که کنشگران ورزش زنان در قبال ورزش زنان سکوت اختیار نکرده و حق زنان را از ورزش مطالبه کنند. برای مثال زنان ورزشکار بایستی این حق را برای خود قائل باشند که نسبت به ورزشکاران مرد نبایستی دستمزد خیلی پایین‌تری دریافت کنند در عین حال خواهان شرایط برابر با ورزش مردان در کشور باشند. در مقابل تقبیح کلیشه‌های جنسیتی اشاره به این دارد که کلیشه‌های زن‌ستیزانه از سوی مردان به نسبت به ورزش زنان بایستی کاهش پیدا کند، به‌موازات آن مردان محدودیت‌های عرفی را رعایت کرده و فعالیت‌های بانوان را در بستر ورزش نادیده نگیرند.

افزون بر این یافته‌های این تحقیق نشان داد که نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش متأثر از راهبردهای طرح و حل مشکل، فرهنگ‌سازی، ارج نهادن به کرامت زنان و دختران، مدیریت بر پایه ارزش‌ها، عدالت سازمانی، مدیریت جانشین‌پروری و الگوسازی است. این یافته با نتایج مطالعات (Dehghan Benadak & et al (2020); Gholampour Galshaklami & et al (2020); Enayat & et al (2019) مبنی بر اینکه به مقوله فرهنگی و فرهنگ‌سازی اشاره کرده بودند، (Palascakova (2020) به سبب اینکه موضوع عدالت را مطرح کرده بود و (Nazari Azad & et al (2019) به دلیل اینکه بحث الگوپذیری مطرح کرده بودند همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که راهبردهای برابری جنسیتی در ورزش یک رویکرد فراگیر را ارائه می‌کند و از هر یک از سازمان‌ها، نهادها و حوزه‌های دخیل در ورزش می‌خواهد که طرح‌های اجرایی مشخصی را در موضوعات مختلف که گاهی ممکن است ناهمگن نیز باشد تدوین کنند.

سرانجام تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد با اتخاذ راهبردهای مورد نظر در موضوع برابری جنسیتی محتمل است ورزش زنان به سمت تجاری‌سازی حرکت کند، خدمات آن‌ها جبران شود، ناهنجاری‌های رفتاری بین زنان ورزشکار کاهش پیدا کند، به موازات آن توانمندسازی فردی و جمعی آن‌ها بیشتر گردد و در نتیجه مشارکت‌پذیری آن‌ها در ورزش بیشتر شود. شایان ذکر است پیامدهای نامبرده حاصل کاربست راهبردهای مطرح شده می‌باشد و به‌عنوان خروجی سیستم می‌توانند قلمداد گردند. با اقتباس از آنچه نتایج حاصل شده مشخص گردید که برابری جنسیتی یک موضوع تک‌ساحتی نیست، از طرفی نابرابری موجود در ورزش زنان صرفاً ریشه در جنسیت آنان ندارد، بلکه شرایطی فراهم شده است که زمینه را برای برابری جنسیتی مشکل‌ساز کرده است. از این‌رو برای مرتفع کردن این نابرابری‌ها و نهادینه‌سازی برابری لازم است شرایط مؤثر و راهبردهای مقتضی که در این تحقیق شناسایی شده است به مثابه یک نهاده اثرگذار مورد توجه قرار گیرد.

شایان ذکر است این تحقیق در هنگام اجرا با محدودیت‌های همراه بوده است که در تعمیم‌دهی نتایج لازم است مورد توجه قرار گیرد. محدودیت اول اینکه این تحقیق صرفاً دیدگاه صاحب‌نظران حوزه ورزش زنان را منعکس کرده است، لذا نمی‌توان نتایج تحقیق حاضر را به تمامی ذینفعان ورزش زنان تعمیم داد. محدودیت دیگر اینکه در این تحقیق برابری جنسیتی در ورزش به طور کلی بررسی شده است لذا نتایج این تحقیق قابل تعمیم به انواع ورزش از جمله ورزش همگانی، تربیتی، قهرمانی و حرفه‌ای را ندارد. بر این مبنای پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد در یک مطالعه‌ای پیمایشی دیدگاه تمامی ذینفعان ورزش زنان را پیرامون موضوع برابری جنسیتی بررسی کرده و مشخص کنند که چه تفاوت‌ها و شباهت‌های بین دیدگاه‌ها وجود دارد. همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد که موضوع برابری جنسیتی را با محوریت ورزش همگانی، تربیتی، قهرمانی و حرفه‌ای دنبال کنند و برای هر کدام از این ورزش‌ها به طور جداگانه یک الگوی کیفی برای برابری جنسیتی ارائه نمایند.

Reference

- Ahmadi, M., Pejhan, A., & Ghadimi, B. (2019). Sociological analysis of social barriers to women's and men's participation in sports activities (case study: employees of the Industry, Mining and Trade Organization). *Women and Society*, 10(39), 47-64. (Persian)
- Almasi, Leila, Labadi, Zahra, and Alipour, Vahidah. (2015). Glass ceiling in the succession of women in managerial positions. *Educational leadership and management research*, first year, number 3, pp: 90-115. (Persian)

- Dehghan Benadaki, S. A., Zare, Q., & Ahmadi Nasab, M. (2020). Modeling the factors influencing the creation of gender discrimination in the country's sports management from the perspective of the employees of the General Directorate of Sports and Youth of Yazd Province. *Women and Society*, 11(43), 129-148. (Persian)
- Enayat, H., Hassanzadeh, L., & Albarzi, S. (2019). Socio-cultural factors related to women's sports activities in Shiraz. *Women and Society*, 10(39), 81-98. (Persian)
- Eriksen, I. M. (2021). Teens' dreams of becoming professional athletes: The gender gap in youths' sports ambitions. *Sport in Society*, 1-15.
- Evans, K. J., & Maley, J. F. (2021). Barriers to women in senior leadership: how unconscious bias is holding back Australia's economy. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 59(2), 204-226.
- Gholampour Galshaklami, H., Mirzaei, K., Ghadimi, B., & Alipour Darvishi, Z. (2020). Social and cultural factors affecting the desire of young people to participate in sports (with emphasis on women). *Women and Society*, 11(41), 151-176. (Persian)
- Hanlon, C., & Taylor, T. (2022). Workplace Experiences of Women With Disability in Sport Organizations. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 1-13. (Persian)
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage.
- Massoud, Azerbaijani. (2010). Gender justice and women's employment. *Women's strategic studies (women's book)*. 12(46), 81-116. (Persian)
- McGovern, J. (2021). The intersection of class, race, gender and generation in shaping Latinas' sport experiences. *Sociological Spectrum*, 41(1), 96-114.
- Monazami, M., Alam, Sh., Shetab Boshehri, S. N. (2011). Determining effective factors on the development of physical education and sports among women of the Islamic Republic of Iran. *Sport management*, 10, 151-168. (Persian)
- Nazari Azad, M., Talebpour, A., & Kashani, M. (2019). Sociological analysis of gender inequality in sports (from the perspective of female national champion athletes). *Women and Society*, 10(4), 289-315. (Persian)
- Nimrozi, N., & Sahne, B. (2020). A comparative study of women's sports participation in Golestan province. *Women and Society*, 11(43), 323-338. (Persian)
- Palascakova, L. (2020). Persistence of Gender Stereotypes in Sports. *Journal of women's entrepreneurship and education*, 20, 72-86.
- Pape, M. (2020). Gender Segregation and Trajectories of Organizational Change: The Underrepresentation of Women in Sports Leadership. *Gender & Society*, 34(1), 81-105.
- Patel, S. (2021). Gaps in the protection of athletes gender rights in sport—a regulatory riddle. *The International Sports Law Journal*, 1-19.
- Posbergh, A. (2022). Defining 'woman': A governmentality analysis of how protective policies are created in elite women's sport. *International Review for the Sociology of Sport*, 1-21.
- Ramos, A., Latorre, F., Tomás, I., & Ramos, J. (2022). Women's Promotion to Management and Unfairness Perceptions—A Challenge to the Social Sustainability of the Organizations and Beyond. *Sustainability*, 14(2), 1-19.
- Saitova, E., & Di Mauro, C. (2021). The role of organizational and individual-level factors for the inclusion of women managers in Japan. *International Journal of Organizational Analysis*. 1-17.
- Salami, S., & Mazhari, M. (2022). Women's rights in the field of urban law in the light of international human rights documents. *Women and Culture*, 13(48), 39-54. (Persian)
- Tahmasabi, B., & Turkafar, A. (2019). Causal relationship between sociability and motivation with sports participation of female employees of Islamic Azad University, Maroodasht branch. *Women and Society*, 10(39), 65-80. (Persian).

Presenting the model of institutionalization of gender equality in Iranian sports

Timor Solimanbigi¹, Jamshid Hemati^{*2}, Navid Mahtab³

1. PhD student in sports management, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. 2. Assistant Professor, Islamic Azad University, Behbahan Branch, Behbahan, Iran (*corresponding author). 3. Assistant Professor of Sports Management Department, Qorveh Branch, Islamic Azad University, Qorveh, Iran.

E-mail: jamhem@yahoo.com

Received: 2023-02-18 Accepted: 2022-12-30

Abstract

The purpose of this research was to present a model of institutionalization of gender equality with the focus on women's sports. This research was based on qualitative methodology and data theory based on systematic methodology. The statistical community of this research was made up of experts in the field of women's sports management. For sampling purposeful sampling method was used and sampling continued until the theoretical saturation limit was reached, therefore 16 interviews were conducted. To collect information, semi-structured interviews were used, and for data analysis, three overlapping processes of open coding, axial coding, and theoretical coding were used. By adapting the text of all the interviews in the open coding stage, 213 concepts or initial codes were identified, which were reduced to 83 codes after combining the codes. Then, in the axial coding stage, taking into account the semantic affinity of the identified concepts, 21 sub-categories were formed and in causal conditions (institutional support, family support, organizational support and media support), contextual (space and facilities, legislation) interventionist (demanding female athletes, denouncing gender stereotypes), strategies (creating culture, planning and solving problems, honoring the dignity of women and girls, management based on values, organizational justice, substitute management upbringing, modeling) and consequences (commercialization of women's sports, compensation for services, reduction of behavioral abnormalities, individual empowerment, collective empowerment, increasing participation) were categorized. Based on the results of the research, it was determined that the institutionalization of gender equality in sports, with the focus on women's sports, is not a one-sided issue, and equality as a set is subject to various institutions, which are necessary from the institutional, family, organizational, media, and hardware dimensions. and the law should be brought to the attention of the relevant stakeholders.

Key words: gender equality, glass ceiling, institutionalization, women's sports

پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات تربیتی
پرتال جامع علوم انسانی